

## تأثیر سفرنامه‌نویسی عصر مشروطه بر سادگی نثر

سکینه طالب زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

نثر فارسی از ابتدا تاکنون دچار تحولات متعددی شده است و از جهت سادگی و پیچیدگی مراحل مختلفی را گذرانده است به گونه‌ای که می‌توان منحنی آن را از سادگی به پیچیدگی و سپس از پیچیدگی و تکلف به سوی سادگی ترسیم کرد. دگرگونی‌های نثر تا حد زیادی الهام گرفته از حوادث اجتماعی-سیاسی هر دوره است. گرایش به ساده‌نویسی در طول دوره‌های مختلف نثر مورد توجه ادیبان و نویسندگان بوده است و یکی از بارزترین ویژگی‌های انواع مختلف نثر در دوره‌ی معاصر نیز هست. این گرایش به ساده‌نویسی از اواخر عصر قاجار مورد توجه برخی از نویسندگان و کارگزاران قرار گرفت و آن هم پیامد تحولات شگرفی بود که در جامعه‌ی ایران رخ داده بود، و عوامل متعددی در ایجاد این تحولات مؤثر بودند که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

رواج صنعت چاپ، گسترش روزنامه‌نویسی، تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون، ترجمه‌ی کتب و آثار فرنگی، اعزام عده‌ای از دانشجویان به اروپا و آشنایی با دنیای جدید و رواج و گسترش سفرنامه‌نویسی.

هر کدام از عوامل بالا غیر از آنکه موجب ورود مظاهر تمدن اروپا به ایران شد؛ به طور مستقیم و یا غیر مستقیم موجب سوق نثر به سمت ساده‌نویسی نیز شد. در این میان سفرنامه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ هم به جهت اینکه نویسندگان آنها با درج مطالبی در قالب این سفرنامه‌ها، به بیداری اذهان جامعه کمک کردند و هم اینکه این سفرنامه‌ها، در عصر مشروطه، باعث سادگی نثر شدند. نویسندگان آنها با بهره‌گیری از زبانی روان و ساده به شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود پرداختند، و بدین ترتیب راهی را هموار کردند که از اندک زمانی قبل مورد توجه قرار گرفته بود و آن راه چیزی جز ساده‌نویسی نبود. اینان گذشته از اینکه در عصر خود باعث تحول نثر شدند؛ شیوه‌ی نیکویی را فراروی آیندگان قرار دادند، بدین معنی که نوشته‌های بعد از دوران مشروطه در مقوله‌های مختلف- از جمله سفرنامه‌هایی که توسط معاصران نوشته شده است- تحت تأثیر این سفرنامه‌ها بوده‌اند؛ و با زبانی روان و ساده نوشته شده‌اند.

واژگان کلیدی: سفرنامه، ادبیات عصر مشروطه، ساده‌نویسی

### مقدمه

یکی از دوره‌های مهم و قابل توجه در تاریخ ادبیات ایران عصر مشروطه و تحولات سیاسی-فرهنگی و اجتماعی این عصر است که تأثیر قابل توجهی بر نثر گذاشت و ما در این مقاله بر آنیم که نگاهی گذرا به ادبیات دوران مشروطه و پاره‌ای از مهم‌ترین ویژگی‌های آن داشته باشیم.

«ادبیات هر دوره ضمن اینکه مشخصه‌ی خاص خود را دارد (به علت حال و هوای فرهنگی-تاریخی هر دوره و بازتاب آن بر فعالیت‌های ادبی) ادامه‌ی متحول شده‌ی ادبیات ادوار گذشته است و عوامل مراحل پیشین را در بردارد. سنت‌های پیشرو گذشته ادامه و تکامل می‌یابند و برزمینه‌ی آنها نویسندگان خلاق پدیدار می‌شوند» (میر عابدینی، ۱۳۷۷: ۴۰۹).

ادبیات عصر مشروطه را باید ادبیات مردم و توجه به زندگی مردم دانست، چرا که در این دوره ناگهان شعر و نثر از دربار-آنچنان که در زمانهای قبل مرسوم بود- می‌برد و رو به مردم می‌کند و آینه‌ای می‌شود برای انعکاس آلام و آرزوها و دردها و رنج‌های مردم. ادبیات این دوره با استفاده از زبان برنیده و گیرای طنز و انتقاد اجتماعی در خدمت شاعران و نویسندگان درمی‌آید، و نویسندگان با بهره‌گیری از لحنی تند و گزنده آنچنان کارگزاران حکومتی را زیر سؤال می‌برند که نمونه‌ی آن در تاریخ ادبیات ایران کم نظیر است.

در ادبیات عصر مشروطه نوعی «دموکراسی ادبی» رخ می‌دهد و نویسندگان با روی کردن به مردم، فریاد و

خواست‌های آنان را در آثار خود منعکس می‌کنند، لذا با مغلق‌گویی و تکلف‌های پر آب و تاب می‌ستیزند و سادگی و روانی را جایگزین آن می‌کنند و رو به ادبیاتی می‌آورند که بیداری مردم را در صحنه‌های مختلف زندگی اجتماعی در پی داشته باشد. مقتضای زمانه در این دوران ساده‌نویسی است چرا که نویسندگان و شاعران سعی دارند مفاهیم عمده‌ی سیاسی اجتماعی را در حداقل زمان ممکن و با شتابی قابل توجه وارد ذهن مردم کنند لذا دیگر فرصتی برای لغظی و پیچیده‌نویسی نیست چرا که هدف انتقال پیام است نه هنر نمایی و فضل‌فروشی. البته شایان ذکر است که تلاش منشیان و نویسندگان عصر قاجار (دوره‌ی قبل از مشروطه) را نیز نباید از نظر دور داشت درست است که نثر فارسی از میانه‌ی قرن دوازدهم تا اواسط قرن چهاردهم غالباً به روش دوره‌های پیشین است و چندان قابل اعتنا نیست. اکثر منشیان و نثر نویسندگان در منشآت خود کما بیش از سبک و شیوه‌ی دیرین پیروی می‌کنند و در نامه‌های خصوصی و مکاتبات اداری، عبارت‌پردازی‌های دور و دراز و سجع‌پردازی رواج دارد. اگر چه عده‌ای از نویسندگان و منشیان به ساده‌نویسی توجه دارند و بیانی روان و ساده و روشن دارند و نثری نیکو می‌نوشته‌اند؛ اما در هر حال غلبه با این عده نیست. در این عصر مردم توجهی وافر به شعر و نثر قدیم دارند و تتبع و جست و جو در ادبیات قدیم جدی گرفته شد، که نتیجه‌ی آن در نثر‌رهایی از انحطاط و سستی و غلط‌نویسی بود. اما این مهم به مرور زمان حاصل شد و ثمره‌ی نهایی آن در عصر مشروطه به دست آمد (ر.ک. رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۵۳۹-۵۳۸).

در سوق نثر به سمت ساده‌نویسی افراد مهمی نقش داشتند و در این میان نقش بسیار مهم و ارزنده‌ی قائم مقام فراهانی را نباید نادیده گرفت. البته در تحول نثر این دوره به سمت ساده‌نویسی، نام افرادی چون میرزا عبدالوهاب نشاط، فاضل خان گروسی، رضا قلی‌خان هدایت، محمد تقی سپهر، حسن علی خان امیر نظام گروسی، مجدالملک سینکی، فرهاد میرزا معتمد الدوله شاهزاده‌ی قاجار، نادر میرزا و عبداللطیف طسوجی را نباید فراموش کرد. حال با توجه به این مقدمات لازم است ابتدا تعریفی از ساده‌نویسی ارائه شود سپس به بررسی عواملی که مستقیماً در سادگی نثر این دوره تأثیر داشته‌اند پرداخته شود.

### پیشینه و تاریخچه‌ی موضوع:

در باب تأثیر سفرنامه‌های عصر مشروطه بر ساده‌نویسی نثر تاکنون تحقیقاتی انجام گرفته است و در برخی آثار و نوشته‌ها و مقالات مطالبی به اختصار یا به صورت ضمنی و پراکنده آمده است و به این تأثیر اشاره شده است. از جمله محمد استعلامی در کتاب «بررسی ادبیات امروز ایران» و کتاب «شناخت ادبیات امروز» اشاره‌ای گذرا و مختصر به تأثیر سفرنامه‌های ناصرالدین شاه بر ساده‌نویسی نثر کرده است.

علاوه بر آن در کتاب‌های «مبانی فکری ادبیات مشروطه» از حسن اکبری بیرق، «تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت ادبی» از احمد خاتمی، «از گذشته‌ی ادبی ایران» از عبدالحسین زرین کوب و بالاخره در «انواع نثر فارسی» از منصور رستگار فسایی نیز جسته و گریخته اشاراتی به سفرنامه‌های نوشته شده در این دوران شده است و بیشتر جنبه‌ی معرفی دارد تا تجزیه و تحلیل، و به طور دقیق سفرنامه‌هایی که در این دوره نوشته شده مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است و جا دارد که نگاهی عمیق به این موضوع انداخته شود. سفرنامه‌هایی مانند سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه، سفرنامه‌ی فرخ خان امین‌الدوله، سفرنامه‌ی حاجی بابا اصفهانی، مسالک المحسنین، سیاحتنامه ابراهیم بیگ و دیگر سفرنامه‌هایی که بعدها تحت تأثیر این سفرنامه‌ها نوشته شده است. لازم است این سفرنامه‌ها مورد مطالعه قرار گیرد.

### مفهوم ساده‌نویسی

«ساده‌نویسی به طور کلی عبارت است از «نزدیکی زبان و قلم، با زبان تکلم» و بنابراین شامل سه قسمت است: سادگی الفاظ، سادگی ترکیب، سادگی تعبیر و بیان» (صاحب‌الزمانی، ۱۳۲۸: ۲۲۳)

۱- منظور از سادگی الفاظ، به کار بردن واژه‌های مصطلح و پرهیز از لغات مهجور است.

۲- مقصود از سادگی ترکیب آن است که اجزای اساسی جمله (مسند و مسند الیه و رابطه) در وهله‌ی اول بنابر اسلوب قواعد زبان، با یکدیگر ترکیب شده و در وهله‌ی دوم بر اثر به کار بردن مترادفات زیاد و کلمات و جملات وصفی و تبعی، طوری از هم دور نیفتند که خواننده در پیدا کردن و مربوط ساختن آنها به یکدیگر دچار زحمت و تکرار مطالب (که موجب خستگی است) گردد.

۳- منظور از سادگی تعبیر و بیان آن است که نویسنده، امور و حوادث؛ و همچنین مناظر را طوری شرح دهد که خواننده از نزدیک‌ترین راه به مقصد برسد؛ برای وصول بدین منظور نویسنده باید حتی المقدور وضع طبیعی اشیا را توصیف نموده و از خیال‌پردازی‌های زیاد که به طور کلی محتاج به استعمال تشبیه و استعاره و کنایه و مجازهای گوناگون است خودداری نماید. چه در آن صورت مغز خواننده برای یافتن معانی حقیقی و مشارالیه‌های اصلی تشبیهات و کنایات؛ و مجسم ساختن مناظر خیالی نویسنده مانند حل یک مسئله‌ی ریاضی ناچار به فعالیت بیشتری است که خواه ناخواه ملالت آور بوده و در نتیجه از طول مدت مطالعه می‌کاهد» (ر.ک. همان: ۲۲۴ - ۲۲۳).

در عصر مشروطه نزدیکی زبان و قلم نویسندگان به زبان مردم آنقدر محسوس بود که خواننده با اندک دقتی می‌توانست به مقصود نویسنده پی ببرد و جمله‌های تو در تو و پیچ در پیچ ذهن او را برای یافتن مقصود اصلی نویسنده خسته نمی‌کرد. القاب و عناوین پرطنطنه، عبارات و اصطلاحات غریب و دور از ذهن، واژه‌های کهنه و مهجور، و استعاره و تشبیهات خیالی و پیچیده و دور از ذهن همگی از نوشته‌های این دوره رخت بر بسته بود و جای خود را به سادگی داده بود و اگر از صنایع ادبی استفاده می‌شد؛ تا حدی بود که به لطف کلام و سادگی و روانی عبارت صدمه‌ای وارد نکند. مبنای اکثر توصیفات و نوشته‌ها برحسب تجربه‌های حسّی بود یعنی در یک کلام نویسنده آن چه را می‌دید و می‌شنید و حس می‌کرد؛ همان را بی‌تکلف و با بیانی ساده به نگارش در می‌آورد. شیوه‌ی اکثر نوشته‌ها بر پایه‌ی «تخاطب» بود گویی خواننده با نویسنده روبرو است لذا این مهم صداقت و صمیمیتی خاص به نوشته‌ها می‌بخشید و مجموعه‌ی این عوامل رمز اصلی این موفقیت و محبوبیت نویسندگان در میان مردم بود.

**بررسی عواملی که مستقیماً در سادگی نثر تأثیر داشته‌اند:**

**ترجمه‌ی آثار فرنگی** همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی  
ترجمه‌هایی که در عصر مشروطه صورت گرفت بی‌شک بر شیوه و اسلوب نگارش نویسندگان دوره‌های بعد تأثیر گذاشت و نثر ساده‌ی این ترجمه‌ها سرمشقی شد برای نویسندگان دوره‌های بعد. از آنجا که در ترجمه مترجم می‌باید تا آنجا که امکان داشته باشد امانت داری را رعایت کند و به متن اصلی وفادار بماند، بنابراین فرصتی برای هنرنمایی و فضل‌فروشی‌های متکلفانه نیست. از سوی دیگر در آثار فرنگی که در عصر مشروطه مترجمان به ترجمه‌ی آنها می‌پرداختند، سادگی متن اصلی و گریز از ابهام و تکلف گویی مطلبی بود که جلب توجه می‌کرد، و همین ویژگی در ترجمه نیز انعکاس می‌یافت، لذا به روند ساده‌نویسی در عصر مشروطه بیش از پیش کمک می‌کرد. مثلاً ترجمه‌ای که میرزا حبیب اصفهانی از کتاب «حاجی بابا اصفهانی» ارائه داده است از زبان بسیار شیوا و روان برخوردار است.<sup>۱</sup>

### کتاب‌ها و رساله‌های ساده نویسان

نثر فارسی از ابتدا تا عصر مشروطیت، تب و تاب‌های زیادی را پشت سر گذاشت و کم‌کم به سوی ساده‌نویسی و زیبایی طبیعی که مدتها از آن دور بود راه می‌پیمود. در راه رسیدن به این سادگی و روانی افراد زیادی نقش داشتند. افرادی همچون میرزا ابوالقاسم فراهانی، امیرکبیر، مجدالملک سینکی، میرزا ملکم خان و دهخدا.

### روزنامه‌نگاری

«ادبیات فارسی بویژه در مقوله‌ی نثر، در اثر جریانات انقلابی دستخوش تحولاتی در کارکردها و اهداف شد. رواج

روز افزون روزنامه‌های عمومی، نقش مهمی در تعیین روش و جهت‌گیری تحولات ادبی ایفا نمود. این روزنامه‌ها توسط افراد معمولی باسواد، برای مردم بی سواد در اماکن عمومی خوانده می‌شد به همین دلیل، نویسندگان امکان به‌گزینی اندکی داشتند، اما به سادگی نویسی روی آورده و لغات عامه فهم را بکار می‌گرفتند، و در رابطه با مسائل اجتماعی و سیاسی، قلم فرسایی می‌کردند» (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۶۳).

### سفرنامه نویسی

سفرنامه، به نوشته‌ای اطلاق می‌شود که نویسنده طی آن، شرح مشاهدات و دیده‌های خود را از اوضاع شهرها و سرزمین‌هایی که بدان‌ها مسافرت کرده است بیان می‌دارد. در سده‌ی سیزدهم در نتیجه‌ی ارتباط روز افزون ایرانیان با کشورهای اروپایی و سفر اروپائیان با مقاصد مختلف به ایران، زمینه‌ی روابط دو جانبه بین ایران و اروپا هر چه بیشتر ایجاد شد.

رویارویی با فرهنگ اروپا به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل فرهنگی عصر مشروطه؛ بسیار مورد توجه سفرنامه‌نویسان قرار می‌گیرد. به طوری که اینان در شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود در سفرشان برخوردهای متفاوتی با این فرهنگ داشته‌اند. اینان به منظور روشن کردن ذهن خوانندگان از زبانی بهره گرفتند که کاملاً متفاوت با قالب‌های ارائه شده‌ی سنتی بود، یعنی آثارشان زبان و بیانی ساده و روان داشت. چرا که در طی نگارش سفرنامه هیچ کدام قصد فضل‌فروشی و هنرنمایی‌های منشیانه نداشتند و تنها هدفشان بیداری فرهنگی جامعه بود نه توجه به سبک نگارش.

بهره‌گیری از اصطلاحات مردم عوام و زبان روان و ساده‌ای که این نویسندگان به کار می‌بردند؛ گراف نیست اگر بگوییم راه را برای قصه‌نویسان و داستان‌نویسان دوره‌های بعد نیز هموار کرد. و نقش زیادی در راهی که نثر در مسیر پیمودن آن بود- یعنی حرکت به سمت ساده‌نویسی - ایفا کرد. این نقش زبانی سفرنامه‌ها در کنار نقش آگاهی‌دهنده‌ی آن به مردم جامعه، یکی از موضوعات قابل توجه ادبیات عصر مشروطه می‌باشد.

### بررسی ارتباط عینی و محسوس بودن اثر و تأثیر آن بر سادگی متن

اصولاً در سبک نگارش سفرنامه‌ها رابطه‌ی مستقیمی میان ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها در حین سفر، و سادگی نثر وجود دارد. بدین معنی که هرگاه سفرنامه‌نویس در حین سفر، به شرح وقایع و رویدادها و آنچه که از طریق پنج حس درک می‌کند؛ اقدام کند نخست به سبب تعجیلی که در امر نوشتن وجود دارد و دوم به علت این که نویسنده فرصتی برای خیال‌پردازی‌های دور و دراز ندارد و سعی می‌کند هر آنچه را می‌بیند بنویسد، نوشته‌اش خالی از سجع پردازی‌ها و تکلف‌های دور و دراز شاعرانه می‌شود. بدین معنی که هرچه نویسنده از حوزه‌ی احساس دور شود و به حوزه‌ی خیال و تجرید وارد شود سبک نگارشش از سادگی و روانی رو به سنگینی و تکلف می‌رود.

آن هنگام که توصیفات نویسنده مبتنی بر حس و ادراک مستقیم است جملات کوتاه و ساده و رواند ولی زمانی که نویسنده به حوزه‌ی خیال و تجرید وارد می‌شود، جملات بلند و تو در تو و سنگین می‌شود. بنابراین اگر سفرنامه‌نویس شرح دیده‌ها و شنیده‌های سفر خود را، به روزگاران بعد و زمانی که سفر پایان می‌پذیرد واگذار کند، سبک سفرنامه عمدتاً از سادگی و روانی دور می‌شود. چرا که سفرنامه‌نویس با فراغ بال و آسایش به فکر فرو می‌رود و سعی می‌کند شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود را با بیانی که به انواع آرایه‌های ادبی آراسته شده است، بنویسد و کوشش نویسنده برای یافتن بیان زیبا و بالاتر از حد معمول، نثر را از سادگی و روانی دور می‌کند.

بنابراین «وقتی سبکی را بررسی می‌کنیم، با تشخیص اینکه تا چه حد عینی یا ذهنی است یاری می‌شویم؛ و غالباً اندیشیدن دقیق در این باره ضروری است. عینی به مفهوم نگرستن به آنچه دیدنی است و اجازه ندادن به احساسات شخصی برای دخالت در تصویر و ذهنی به مفهوم رنگ احساسات شخصی دادن به چیزی از دیدگاه تماشاگر» (ابومحبوب، ۱۳۷۴: ۵۱).

بنابر این تعریف رابطه‌ای مستقیم میان عینی و محسوس بودن و سادگی نثر و ذهنی و پیچیده بودن نثر وجود دارد. از آنجا که شعر بیشتر با ذهنیت سروکار دارد، تمام تصاویر و توصیفات آن بیان‌کننده عواطف شخصی شاعر است.

در نثر نیز هر قدر نویسنده از عینیت و محسوس بودن فاصله بگیرد و به ذهنیت نزدیک شود، نثر وی از روانی طبیعی فاصله می‌گیرد، تا جایی که ممکن است توصیفات نثرش با شعر پهلو زند. در توصیفات عینی، نقش اصلی را حواس پنج‌گانه ایفا می‌کند و تخیل و تعقل و امور ذهنی نویسنده دخالتی در صحنه ندارد و تنها بیان‌کننده‌ی آن چیزی است که احساس می‌شود. در این نوع توصیف، صحنه‌ای که به حس در می‌آید، همان گونه که هست توصیف می‌شود و بیان نویسنده هرچه بیشتر به صورت زبان عادی و روان و گاه اسلوب محاوره درمی‌آید.

در اینجا نویسنده منظره را دست‌آویزی برای فضل‌نمایی و بیان احساسات و عواطف و همچنین کشاکش‌های روحی خود قرار نمی‌دهد، وی از ساده‌ترین و آسان‌ترین راه استفاده می‌کند تا خواننده را به مقصود اصلی برساند و او را در احساس و برداشت خود از صحنه‌ی به توصیف در آمده سهیم کند لذا خود را به تکلف نمی‌اندازد، و قلم تنها همان چیزی را می‌نگارد که حواس درک می‌کند نه بیشتر از آن.

از آنجا که ذهن بشری محسوسات و آنچه را عینی باشد بهتر درک می‌کند؛ توصیفات و نوشته‌هایی را که مبتنی بر حس و تجربه باشد بهتر می‌پذیرد و به مطالعه آنها رغبت بیشتری نشان می‌دهد. «در تصاویر و توصیفات عینی، برداشت و احساس به عهده‌ی خواننده گذاشته می‌شود اما تصویری ذهنی، احساس را به خواننده القا و دیکته می‌کند؛ در عینیت، خواننده با آزادی بیشتری به سوی برداشت نویسنده تمایل می‌یابد و با او یکسان و متحد می‌شود» (همان: ۱۵۶)

یک شیوه‌ی ادبی بسیار متداول و مفید عبارت است از بکار بردن عینی‌ترین سبک ممکن به منظور انتقال ذهنیت روان‌شناسانه؛ که عبارت است از استفاده از توصیف سریع و بی‌پرده، تا احساسات نیرومندی را با خواننده تقسیم کنیم و او را در این احساسات سهم دهیم. فضای صمیمیت و پرهیز از بیان هرگونه اظهارنظر، بر نیروی حمله‌ی عاطفی می‌افزاید» (همان: ۱۵۷)

در سفرنامه به دلیل شرایط خاصی که مسافر دارد مبنی بر این که توقفش در جاهای مختلف موقتی است، برای مسافر فرصت آنچنانی نیست که به لفظ‌پردازی و تکلف‌گویی پردازد، بنابراین هر آنچه را با حواس پنجگانه درک می‌کند به رشته‌ی تحریر می‌کشد، زیرا در واقع آنچه برای وی اهمیت دارد بیان وقایع و رویدادهاست نه چیز دیگر. با توجه به آنچه گذشت ویژگی‌های زیر به عنوان شاخص‌های ساده نویسی در متن سفرنامه‌های عصر مشروطه دیده می‌شود که برای هر کدام از این موارد از برخی سفرنامه‌های برجسته‌ی این دوره نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

#### الف) جملات کوتاه و ساده در حد ایجاز

«راه خشک و خوب است و هوا چندان سرد نیست. در طی طریق از هر مقوله می‌گوییم و با نردبان حرف راه را کوتاه می‌کنیم» (امین الدوله، ۱۳۵۴: ۶۸).

«زود چای حاضر شد و ناهار را هم به چای ملحق کردیم و به محض اینکه در استراحت شبانه قصوری نماند کرسی پاکی از کدخدا طلبیدیم و مرتب و گرم کرده به اطراف آن خزیدیم. هوا قدری منقلب شد، ابر و مه گرفت، چند قطره باران و قدری برف بارید. مجدداً صاف و روشن شد» (همان: ۲۳).

«دوم برج اسد است و در کشتی هوا بد نیست بامداد به عادت برخاسته، نماز خواندم. قرآن تلاوت شد. طبیب آمد. دوا آورد. احوال پرسید. چون هنوز نقاهت و ضعف هست از اتاق بیرون نرفتم» (همان: ۳۵۸).

### ب) اسلوب محاور

«وقتی که مشتری‌ها آب میخورن به آواز بلند بگو عافیت باشد، امام رضا شما را محافظت کند، به درد تشنگی گرفتار نشید، از اینجور حرفها بزن مردم دورت جمع میشن، مختصر اشخاصی که از صد فرسخ راه آمدند که به فیض برسن، البته هرچه دعا در حق او نا بکنی خوششان میات.» (موریه، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۹)

«اعتمادالسلطنه نمی‌دانم چش است که حاضر نبود... خیلی وضع مضحکی داشت که آدم از خنده می‌مرد» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۳: ۳۳۳).

«اگر یه خرده چشمت ریزه بود و رنگت سفید بود و موی سرت کم می‌شد حتماً سرت می‌بریدند و تو پوستش کاه می‌چپوندن عوض سرت کم بپهرون می‌فرستادن» (موریه، بی‌تا، ج ۱: ۲۸).

«گفتم: «به من چه؟ ای عمله‌ی فرعون و شدادا! کنار شوید از برم... آن دیگری گفت: «مشتی رضا برگرد این تبعه‌ی خارجه پدر سوخته‌ها همه دیوانه هستند» (مراغه‌ای، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۱۱).

### ج) عبارات بی‌فعل

«سال آینده اندک نزاعی فی ما بین واقع ولیکن به صلح انجامیده» (شیرازی، ۱۳۴۷: ۲۱۵).

«ان شاءالله بعد از مراجعت از سفر لندن ترا به جان و تن خریدار و به وطن خواهم برد. و از آنجا روانه» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۵۹).

«اکنون سن چوپان اوغلی هفتاد و پنج، وسی و هفت پسر رشید دارد. ونسبت به حال غریب و رعیت بسیار خلیق و مهربان» (همان: ۶۸).

«القصة اهل آن دیار بسیار شیرین، چنانکه اکثر اموال ایشان را به جهت شرارت، حسب الحکم غارت کرده» (همان: ۷۱).

### د) بیان صادق و صمیمی

«خلاصه هرکس از درد دل چیزی می‌گفت چون من اراده توقف در اصفهان نداشتم حق آنها را کف دستشان می‌گذاردم و از آن فحش‌های آب نکشیده که به گوششان نخورده بود می‌دادم. چیزهایی که در هیچ قوطی عطار پیدا نمی‌شد و من از زمان طفولیت از لوطی‌های شیرازی یاد گرفته بودم از همان هفت جوشها به آنها می‌گفتم» (موریه، بی‌تا، ج ۳: ۱۰).

«به طوری مرا خنده گرفت که کم مانده بود خفه شوم. دو شیشه‌ی عطری با یک انفیه‌دان طلائی فرنگی کهنه‌ی مندرس، بعد از تعظیم هندی تقدیم کرد. نمی‌توانستم نگاه به صورتش بکنم. تا آمدیم در حضرت، زیارت نامه‌خوان اذن دخول می‌خواند. خدام زیادی در اطراف ایستاده بودند. مردم زیادی از امراء و اعیان بودند. شاهزاده هم پشت سر من ایستاده است. خنده چنان بر من مستولی شد، که کم مانده بود خفه شوم و اشک از چشمان من می‌آمد. کم مانده بود نعره بزنم. زیارت‌نامه خوان هم هی طول کلام می‌دهد. کم مانده رسوایی بار بیاورد. به یک طوری خودداری کردم رفتیم توی ضریح. شاهزاده هم باز آمد ایستاد. باز هم در زیارت خنده‌ام گرفت. در سر نماز خنده‌ام گرفت» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

### ه) دوری از تکلف و تصنع

«روز دیگر به تماشای بازار و شهر رفته. الحق شهر به آن خوبی و لطافت و پاکیزگی و اسلوب در همه‌ی عمرم ندیده بودم. شب‌ها در همه‌ی کوچه‌ها و راه‌ها، چراغها در فانوس شیشه نصب کرده، می‌سوزد. و در اکثر کوچه‌ها آب جاری است و در بسیاری از کوچه‌ها باغ‌ها نمایان است. همه‌ی دیوار باغ‌ها، پنجره‌های آهنین است» (شیرازی، ۱۳۴۷: ۱۴۴).

«امروز روز معینی است که در عرض سال اطفال بی پدر و مادر و فقیر، که به سن پانزده سال یا کمتر یا بیشتر از دختر و پسر که خلق از خود متکفل آنها می شوند مثلاً در هر محل صد نفر طفل فقیر دارد، اهل محل مباحثی برای تعیین و اخراجات آنها را از هر چیز که ضرور است می دهند و امروز برای شکرانه به کلیسای بزرگ که او را سن پال می گویند می رفتند» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۳۲۴).

«در هنگام طعام خوردن، یک گیاهی که بسیار شبیه به ساقه‌ی جاشیر که در ایران بسیار است و در صحرای لندن نیز وفور دارد و به زبان انگلیسی آن را «اسپرکز» (Asprkz) می گویند، بر سر خوان طعام آورده بودند، من نخوردم. یکی از نوکران انگلیسی تعجب نموده گفت: صاحب شما چرا از اسپرکز احتراز می نمایند حال آنکه در این مملکت عزیزالوجود و گرانبهاست؟ گفتم: در ایران کسی علف صحرا نخورد اگرچه گران باشد» (همان، ۱۳۶۴: ۳۰۵).

### و) تکرار فعل

«دو پسر بچه که [دو] قلوهای خان‌بابا خان است تیمور میرزا آورد کوچک بودند. یک ترکیب، یک قد و شبیه هم بودند، با مزه بودند. یک سال و نیمه بودند.» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۳۴).

«خلاصه راندم، راندم، بسیار راه دوری است» (همان، ۱۳۷۲: ۱۴۸).

### ز) درج پاره‌ای اشعار و امثال رایج در زبان مردم برای زیبایی کلام

«هنگام غروب آفتاب بارانی شدید آمد، الحق هوا را مرطوب نمود و صفایی تازه به چمن مزبور داد و بنده هم این دو فرد را کرتاً بعد اخری می خوانم.

مشو غافل که ایام بهار است سراسر کوه و صحرا لاله زار است

جهان رنگ نگارستان چین است صبا مشک ختن در آستین است» (شیرازی، ۱۳۴۷: ۵۲).

«گفتم: «برادر! تو را به خدا قسم می دهم درست جواب بده چه شده؟» گفت: «بابا خانه‌ی پیشکار یعنی حاکم مملکت را اهالی شهر چاپیدند» گفتم: «تاکنون در هر مملکت ایران دیده و شنیدیم که پیشکار و حاکم شهر خانه‌ی اهالی را می چاپیدند. حالا چطور شده است که اهالی خانه‌ی آنان را می چاپند» گفت:

چنین است آیین چرخ درشت گهی پشت به زین و گهی زین به پشت» (مراغه‌ای، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۳۵)

«چونکه منافع ملیه و عمومی را ابداً در نظر نداریم، متاع مملکت را به امید منفعت موقت و دو روزی خود قلب می کنیم و نمی دانیم که بار کج به منزل نمی رسد» (همان، ج ۱: ۲۳).

### ح) کاربرد صور خیال در حدّ کاملاً ابتدایی

«ذاکر هم دروغ می بافتد و گزافه می لافد» (مراغه‌ای، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۲۸).

«سر این چشمه جای بسیار با نزهت و صفاست. تا چشم کارمی کند همه جا سبزه و گل‌های الوان و بوته‌های زرشگ خودرو است، که خوشه‌هایش چون سنبله یاقوت از پرتو آفتاب برق می زند و برگ‌های زمردی خود را شفق نیم‌رنگ خوشایند می اندازد» (طالبوف تبریزی، ۲۵۳۶: ۷۸).

«آن آفتاب جمال سر از دریچه‌ی جلال بیرون آورده به عزم شرف حکیم در عین احتشام مقارن شام با تمام خدام روان شدند» (موریه، ج ۲: ۷).

«بدواً نرگس عابد فریب چشمش فتنه انگیزی نموده به قصد اینکه از کلید بوسه قفل حجاب خانم را باز کرده ام در کمند گیسویش گرفتارم نموده به چاه زرخش محبوسم کرد از مدد طالع دست به سوسن عنبرین زلفش رسانده خود را به سایه‌ی غبغبش کشیدم، هلال ابرو با شمشیر عریان حمله نموده ناچار قرص عارضش را سپر خود ساختم، یاقوت لبش به کین خواهی بر هم خورد و دست به خنجر آبدار مژگان نموده به صدا در آمد» (همان، ج ۳: ۹۷).

از دیگر ویژگی‌های مشترک این سفرنامه‌ها کاربرد فعل به شکل وجه وصفی، وجود پاره‌ای کلمات و ترکیبات

عربی و فرنگی، توصیفات ملموس و عینی و طنز و نکات ادبی است که جهت پرهیز از اطاله‌ی کلام از ذکر نمونه خودداری کرده‌ایم.

نهضت ساده‌نویسی که در عصر مشروطه در آثار مختلف به جامانده از نویسندگان و شاعران نمود درخشانی پیدا کرده بود؛ شگرد به‌جا و مناسبی بود که تا امروز ادامه پیدا کرده است، و رد پای آن را در بسیاری از نوشته‌ها می‌توان دید. در دوران معاصر تقریباً در تمام آثار به‌جا مانده از نویسندگان بعد از عصر مشروطه، ساده‌نویسی و روانی مطالب اصلی‌ترین مشخصه‌ای است که نمود دارد. و این ساده‌نویسی در زمینه‌های مختلف ادبیات از جمله: داستان‌نویسی، قصه‌نویسی، نگارش رمان، نمایش‌نامه‌نویسی و شعر دیده می‌شود.

سفرنامه‌نویسان معاصر به تقلید از آثار ساده به‌جا مانده‌ی دوران مشروطه، به ویژه سفرنامه‌هایی که در آن دوره‌ی نگارش یافته است، روشی ساده برای نگارش سفرنامه‌های خود اتخاذ کرده‌اند.

در این بخش سعی می‌کنیم به ذکر نمونه‌هایی پیردازیم که سادگی و روانی آن آشکار و واضح است و به اثبات این نکته پیردازیم که سبک ساده‌ی سفرنامه‌های عصر مشروطه، تأثیر زیادی بر سبک سفرنامه‌های دوران معاصر داشته است.

### خسی در میقات

«طوافی هم دور ضریح، نسبتاً خلوت بود. هر کس راحت کارش را می‌کرد. شرطه‌ها آمده بودند. گوشه و کنار حرم، مردم به انتظار نماز سر صف جا گرفته؛ و سخت مواظب اینکه کسی به گوشه‌ی سجاده‌شان نگاه چپ نکند. عجب تعلقی می‌جوید این آدمیزاد! حتی در چنین سفری یعنی نفهمیدم! و پایم گوشه‌ی سجاده‌ای را برگرداند. یارو چنان زد پشت پایم که درماندم چه کنم. فقط نگاهش کردم. پیرمردی بود و عرب نمی‌نمود و ذکر گویان تسبیح می‌گرداند. اما در چشمش ددی نشسته. که من خجالت کشیدم» (آل احمد، ۱۳۶۲: ۶۰-۵۹).

دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

«به من گفته بودند که هر سحر ستاره‌ی عجیبی در آسمان نیشابور پدیدار می‌شود. یک شب سحر برخاستم و به تماشای آن رفتم. ستاره یدنباله دار بود. دنباله‌ی نورانش به شکل دم طاووس بود و در جانب شرق ایستاده بود. لحظه‌ای دیگر مثل جوجه تیغی‌ای به نظر آمد که کله‌اش بسیار فروزان باشد و بدنش خیلی کشیده و تیغه‌هایش نورافشان. آسمان بی‌اندازه نزدیک می‌نمود و ستاره‌ها همگی شفاف بودند. سالها بود که آنها را به این درشتی و براقی ندیده بودم، مثل اینکه از آسمان خم شده بودند تا زمین را تماشا کنند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۱۸۶).

www.anjomanfarsi.ir

### بیاض سفر

«دوشنبه از توکیو به کیوتو حرکت کردم. کیوتو پایتخت قدیم ژاپن است. در حکم اصفهان ایران است. شهری است تاریخی و مجموعه‌ای از هنر و تاریخ. دو روز است که به گشت و گذار در این شهر گذرانده‌ام. عده‌ای از معابد و قصور و باغ‌ها و بازارها را دیده‌ام. باغ‌های کم نظیر در اندر دشت، قصور پادشاهی خوش طرح، معابد بزرگ بودایی و شینتویی، هنرهای دستی و سنتی شهر، دانشگاه گسترده و محکم آن، هر یک سبب شهرتی برای کیوتو است. به یک عبارت ژاپن حقیقی یعنی کیوتو و حوالی آن با گذشته‌ی تاریخی دراز و درخشان» (افشار، ۱۳۵۴: ۱۰۶).

### از پاریز تا پاریس

پدر در حالی که خشمگین به نظر می‌رسید با لهجه‌ی غلیظ یزدی گفت: بله و زهر مار، چه موقع بله گفتن است؟ به جای بله، بگو: «هون» که هم جواب مرا داده باشی، هم نانت را خورده باشی و هم خرت را رانده باشی!» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۳۳۸).



## دیدار بلوچ

«بقال از نشستن من جلوی دکانش، اصلاً دلگیر نیست. تشکچه‌ای هم برآیم می‌آورد. در شهرستان‌های حاشیه‌ی کویر شاید جاهای دیگر هم - رسم بر این است که غروب‌ها، بعضی‌ها جلوی بعضی دکان‌ها می‌نشینند. در سبزوار ما هم همین‌جور بود. بعضی‌ها جلوی بعضی دکان‌ها می‌نشستند. حالا من هم جا خوش کرده‌ام» (دولت آبادی، ۲۵۳۷: ۷۱)

## اصفهان نصف جهان

«مسجد شاه برای پیدا کردن آن لازم به پرسش نیست و از دور شناخته می‌شود. گمان می‌کنم اگر چشم بسته هم مرا جلو آن پیاده می‌کردند آن را می‌شناختم. چون عکسش را زیاد دیده بودم و وصفش را زیاد شنیده بودم. مخصوصاً قناسی که سر در آن؛ با گنبد و مناره‌هایش دارد بهترین نشان و معرف آن است» (هدایت، ۱۳۱۱: ۲۶)

## نتیجه‌گیری

نثر پارسی در دوران اخیر از آن زمان که از طبقه و دسته‌ای خاص به ویژه طبقه‌ی دربار برید و به میان مردم آمد. اصلی‌ترین و بارزترین ویژگی‌ای که پیدا کرد، سادگی آن است که این سادگی در اثر عوامل بسیاری به نثر راه پیدا کرد. ارتباط ایران با غرب از زمان ناصرالدین شاه زیاد شد و رفت و آمد ایرانیان به اروپا پیامدهای بسیاری برای فرهنگ و ادب ما داشت. تحولات سیاسی - اجتماعی ایران از اواخر عصر قاجار، نیاز به زبان و بیانی جدید را بیش از پیش آشکار کرد.

این گرایش به ساده نویسی فتح بابی بود که بسیار مورد استقبال شعرا و نویسندگان و مخاطبان اصلی آنها یعنی مردم قرار گرفت و نهضتی شد که بعدها ادامه پیدا کرد و امروزه نیز بسیاری از آثار ساده‌ی به جا مانده از آن دوران گنجینه‌ی شعر و ادب را بیش از پیش غنی و پربار کرده است. در این میان نقش سفرنامه‌نویسان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

این سفرنامه‌ها به دلیل موقعیت خاص مسافر یعنی - تعجیل در امر سفر - و به دلیل آنکه مسافر فرصتی برای پرداختن به عبارت‌پردازی‌های ثقیل، سجع‌سازی و مغلق نویسی‌های زائد و بی‌معنی ندارد؛ بیانی ساده دارند و تقریباً همه‌ی آنها دارای ویژگی‌های مشترکی از قبیل: کوتاهی جملات، صمیمیت بیان، کاربرد فعل‌های وصفی، اسلوب محاوره، تکرار، درج پاره‌ای ضرب‌المثل‌ها و اشعار نغز پارسی و همچنین تعدادی ترکیبات و لغات تازه‌اند. به دلیل اینکه در این دوره مخاطبان اصلی شاعران و نویسندگان عامه مردمند؛ اینان چاره‌ای جز استفاده از زبان و بیان ساده ندارند. این زبان با شکل‌های کهنه ادبی گذشته که کاربرد زیبایی شناختی خود را از دست داده بود، امکان‌پذیر نبود و نیاز به شکلی تازه بود تا بتواند از عهده‌ی این مهم برآید. از همین رو برخی نویسندگان برای بیان مطالبشان از بیانی ساده و روان بهره جستند چرا که هدف اصلی اینان بیشتر انتقال پیام از ساده‌ترین و مستقیم‌ترین راه بود نه لفاظی و فضل‌فروشی. بنیان کار سفرنامه نویسان مبتنی بر شیوه‌ای است که از آن به نام شیوه‌ی «تخاطب» یاد می‌شود.

در این شیوه معانی سریع و مستقیم بیان می‌شوند و نویسندگان از ایراد کلام قصد انحراف خواننده به موضوع دیگری و یا مقصد دیگری جز درک معنی ندارد. اینان فی‌البداهه نخستین تعبیرات و کلماتی را که اندیشه در اختیارشان می‌گذاشت وارد نثر می‌کردند، بنابراین فرصت انتخاب و به‌گزینی و تنظیم و تنسيق آن چنانی جملات را نداشتند و نوشته‌هایشان عمدتاً مبتنی بر توصیفات حسی یعنی کاملاً ساده و روان است. این سفرنامه‌نویسان نه تنها در عصر خودشان مروج ساده نویسی بودند، بلکه نثر دوره‌های بعد را نیز کاملاً تحت تأثیر قرار دادند و گواه این مطلب نثر ساده و روانی است که سفرنامه‌نویسان اخیر در نگارش آثارشان از آن بهره برده‌اند.

هر چند ذوق ساده نویسی بشارت‌دهنده‌ی آینده‌ای درخشان برای نثر فارسی بود؛ اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که در این دوره چون سرآغاز رستاخیز ادبی در زمینه‌ی سادگی نثر است، طبیعتاً نثر یکباره به کمال و پختگی

شایسته‌ی خود دست پیدا نمی‌کند، بلکه گذر زمان و پشت سر نهادن فراز و فرودهای متعدد است که نثر را کم‌کم به سمت شایستگی لازم سوق می‌دهد. مسلم است که این قاعده در مورد سفرنامه‌ها نیز به عنوان یکی از نمودهای نثر مصداق دارد و سفرنامه‌ها نمی‌توانند از این قاعده مستثنی باشند، اما در هر حال سفرنامه‌ها نیز، در کنار سایر آثار شعرا و نویسندگان باعث رونق ساده‌نویسی شد و نثر را از تکلف و پیچیدگی دوران‌های گذشته رها کرد. چرا که نویسنده در سفر به دلیل آنکه تعجیل چاشنی کار وی است، فرصتی برای لفظ پردازی‌های دور و دراز شاعرانه ندارد، و در قالب کلماتی روان و ساده به وصف دیده‌ها و شنیده‌هایی که از رهگذر پنج حس درک کرده است می‌پردازد. همچنین چون با حواس پنج‌گانه سروکار دارد و وارد مقوله‌ی تخیل نشده است، بسیار ساده و روان به شرح وقایع سفر می‌پردازد. این سفرنامه‌ها هم به غنای فرهنگی جامعه‌ی ما کمک کرد و هم گنجینه‌هایی به خزینه‌ی زبان و ادب فارسی افزود.

### پی‌نوشت‌ها

از جمله این ترجمه‌های موفق می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: سه تفنگدار، پتر کبیر، کنت مونت کریستو، ژیل بلاس، الف لیله و لیله  
تعداد سفرنامه‌هایی که در این عصر نوشته شده‌اند بسیارند اما ما مبنای کار را بر چند اثر برگزیده قرار داده‌ایم.

### فهرست منابع:

- ۱- آل احمد، جلال، (۱۳۶۲)، *حسی در میقات*، تهران: مجید.
- ۲- ابومحبوب، احمد، (۱۳۷۳)، *کالبد شناسی نثر*، تهران: زیتون.
- ۳- اسلامی ندوشن، محمد علی، (۱۳۷۱)، *صفیر سیمرخ*، تهران: یزدانی.
- ۴- افشار، ایرج، (۱۳۵۴)، *بیاض سفر*، تهران: توس.
- ۵- امین الدوله، فرخ خان، (۱۳۵۴)، *سفرنامه امین الدوله*، تهران: توس.
- ۶- ایلیچی، میرزاابوالحسن خان، (۱۳۶۴)، *حیرت‌نامه*، تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.
- ۷- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۶۷)، *از پاریز تا پاریس*، تهران: نوین.
- ۸- دولت‌آبادی، محمود، (۲۵۳۷)، *دیدار بلوچ*، تهران: پیوند.
- ۹- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، *انواع نثر فارسی*، تهران: سمت.
- ۱۰- شیرازی، میرزا صالح، (۱۳۴۷)، *سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی*، تهران: روزن.
- ۱۱- صاحب الزمانی، ناصر، (۱۳۲۸)، «ساده‌نویسی یعنی چه؟»، *مجله‌ی ارمان*، ش ۵، ص ۲۲۰ تا ص ۲۲۵.
- ۱۲- طالبوف تبریزی، عبدالرحیم، (۲۵۳۶)، *مسالك المحسنين*، تهران: شیگیر.
- ۱۳- کاتوزیان، همایون، (۱۳۷۱)، «مشروطیت و نوگرایی ادبی»، *مجله‌ی ایران فردا*، ش ۲، ص ۶۳.
- ۱۴- مراغه‌ای، زین العابدین، (۱۳۶۴)، *سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ*، تهران: اسفار.
- ۱۵- موریه، جیمز، (بی‌تا)، *حاجی بابا اصفهانی*، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، بی‌جا.
- ۱۶- میرعابدینی، حسن، (۱۳۷۷)، *صد سال داستان‌نویسی در ایران*، تهران: چشمه.
- ۱۷- ناصرالدین شاه، (۱۳۷۲)، *سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه به عتبات (شهریار جاده‌ها)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ۱۸- ناصرالدین شاه، (۱۳۷۳)، *روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ۱۹- هدایت، صادق، (۱۳۱۱)، *اصفهان نصف جهان*، تهران: فردین و برادر.

## The Influence Of Itinerary in mashruteh Period On Simplicity Of Persian Prose

### ABSTRACT

The farsi prose, from the start till present, has developed variously, and from the standpoint of simplicity and complexity, has passed different stages. So that we can draw its curve from simplicity to complexity, and then for complexity to simplicity. The prose changes have inspired considerably by socio-political of each era. Tendency or propensity to simple writing in different stages of prose development has been considered by writers and men of letters. It is one of the most important characteristics of different kinds of prose in contemporary age. This tendency to simple writing, from the end of Qajar era has been paid attention by some writers and reporters. It was the glorious development implication, which occurred in Iranian society. Different factors have been effective or impressive in this development, which the most important of them are as follows:

The spread or development of press industry, the expansion of journalism. The establishment of polytechnic institution, translation of books and familiarity with the new world and finally the spread of travels account writings:

Each of the above-mentioned factors, apart from causing the entrance of manifestations of European civilization, directly or indirectly, generated the prose towards simple writing. However, the travels account, are particularly outstanding or influential, not only because their writers, by printing some subjects in framework of these travels account, have contributed to the awakening of people's mentality, but on account of this travels account, in constitutional age. Have been motivated simple prose writers, by taking advent age of a simple and fluent language, have interpreted or explained their own seen and heard, and so have smoothed the passage, which had been paid attention in former times, and in fact it was nothing but simple writing, these writers, in addition to cause to develop the prose and presented an excellent method to the posterities, so that the writing or penmanship of constitutional age. Has been under the influence of these travels account which have been written up simply and fluently.

دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)